

تحول‌های ساختاری در جغرافیای زیستی مدینه

مهران اسماعیلی^۱

چکیده: مدینه نخستین پایتخت جهان اسلام یکی از شناخته شده‌ترین شهرهای جهان اسلام است. جغرافیای زیستی مدینه تابع عوامل گوناگون تاریخی اعم از اقتصادی و سیاسی است. تصور رایج از مدینه این است که شهری به نام یثرب وجود داشته که پیامبر نام آن را به مدینه تغییر داد و این شهر طی سده‌ها به حیات خود ادامه داد و در دوره معاصر نیز همچون دیگر شهرها گسترش یافت. این در حالی است که امروزه از یک سو برخی سکونتگاه‌های پیشین این منطقه همچنان خالی از سکنه است و از سوی دیگر ساخت و سازهایی در مناطقی که پیش از این مسکونی نبودند صورت گرفته است. این مقاله در صدد پاسخ به این پرسش است که جغرافیای زیستی این منطقه در دوره‌های یثرب کهن، پیش از اسلام، صدر اسلام، سده‌های میانی، دوره جدید و دوره معاصر چه تحولات بنیادینی به خود دیده است.

واژه‌های کلیدی: مدینه، یثرب، جغرافیا، جغرافیای زیستی، جغرافیای تاریخی

Structural changes in the settlement geography of Medina

Mehran Esmaeili¹

Abstract: Medina, the first capital of Islam, is one of the most well-known cities of the Muslim World. The settlement geography of Medina depends on various historical factors including both economic and political. The common understanding of Medina is that it was a city by the name of *Yathrib*, which was changed by the Prophet(s) to Medina, and that it survived during centuries and developed continuously till the contemporary periods, like other cities. On the one hand, nowadays, some of the preceding settlements of this region remain unpopulated, and from the other hand some structures have been built in some areas which were not residential before that. This paper tries to answer this question of fundamental transformation has confronted the settlement geography of this region during the following eras: the ancient *Yathrib*, before Islam, the beginning of Islam, Middle Ages, modern, and contemporary periods.

Keywords: Medina, Yathrib, historical geography, settlement geography

1 Assistant Professor of History and Civilization of Islamic Nations in Shahid Beheshti University
mehran.es.k@gmail.com

پیش‌درآمد

جغرافیای زیستی مدینه، دچار تغییرات فراوانی شده و نام‌های اصلی و فرعی متعددی به خود دیده است و از این رو محدوده‌ای را به عنوان «محدوده مبنا» باید تعریف کرد تا بتوان تحولات را درون آن نشان داد. محدوده‌ای که به عنوان شاخص در این مقاله تعیین شده، مستطیلی شمالی- جنوبی است که ضلع شمالی آن کوه احد، ضلع جنوب آن کوه غیر، ضلع غربی آن کوه‌های معروف به عجم‌وات و ضلع شرقی آن حرّه واقع قرار دارد. نمی‌توان نام این منطقه را در تمامی دوره‌ای که پیش از اسلام شناخته می‌شود «یثرب» نامید. همچنین نمی‌توان مطمئن بود که نام «مدینه» بر آن اطلاق شده است. از این رو نام «زیستگاه یثرب» بر آن می‌گذاریم تا فرایند بحث، بهتر طی شود.

اصل نخست پژوهشی این مقاله آن است که جغرافیای زیستی یثرب همچون هر پدیده تاریخی دیگر مشمول تغییر است و الزاماً این تغییر از مدل‌های موجود در ناخودآگاه پژوهشگر مانند «بزرگ‌تر شدن شهرهای کوچک» تبعیت نمی‌کند. از این رو این مطالعه به لحاظ زمانی بیش از ۱۴ سده را پوشش می‌دهد و سعی دارد بتواند نقاط عطف تحول را بیابد. در نتیجه بررسی منابع این دوره طولانی، به ویژه سفرنامه‌ها و منابع جغرافیان‌گاران اولویت خواهد داشت. پس از مشخص شدن تحولات مورد نظر و تصاویر به دست آمده از هر دوره، به روش توصیفی- تطبیقی که در روند مقاله به کار گرفته خواهد شد، تغییرات ساختاری مورد نظر در قالب ۴ نقشه که هر یک بیانگر تحولات یک دوره است ارائه خواهد شد. این نقشه‌ها بر تصویر ارایه شده در وبگاه Google map اعمال شده است.

درباره جغرافیای یثرب در دوره باستان، اطلاعات چندانی وجود ندارد و کمتر می‌توان پژوهش مستقلی در این زمینه یافت. درباره یثرب در آستانه ظهور اسلام، پژوهش‌ها معمولاً همراه با همان تلقی کلاسیکی هستند که برگرفته از منابع جغرافیان‌گاران است و در این مقاله ذیل عنوان فرعی «شهری به نام مدینه» از آن سخن گفته خواهد شد. این نگرش در پس بسیاری از پژوهش‌هایی که موضوع آن جغرافیای مدینه نیست قابل مشاهده است.^۱ برخی

۱ حسین قره‌چانلو (۱۳۸۳)، شهر پیامبر، گستره تاریخ، گفت‌وگوهای با تاریخ‌نگاران ایران، تهران: انتشارات هرمس، صص ۲۷۷-۲۸۲؛ رسول جعفریان (۱۳۸۵)، «حکمت انتخاب محل مسجد النبی در مدینه»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی سیره شناختی پیامبر اعظم، ج ۱، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ص ۳۰۹؛ شهلا بختیاری (۱۳۹۲)، «مرکزیت مدینه»، مجموعه مقالات سال پیامبر، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در دست‌نشر؛ حامد منتظری مقدم (پاییز ۱۳۷۷)، «اسلام در فراسوی مکه»، معرفت، ش ۲۶، صص ۸۷-۹۱؛ جواد مطر الموسوی (۱۴۲۹)، «مقومات دولة الرسول فی

محققان معاصر بر اساس همان تلقی، تلاش کردند نقشه تاریخی مدینه یا یترب را تهیه کنند^۱ درحالی که امروزه این تلقی قابل تعمیم بر سراسر تاریخ مدینه نیست و باید در پی نقشه‌های مدینه بود و نمی‌توان به یک نقشه اکتفا کرد.

بعدها که فناوری تصویر برداری ماهواره‌ای فراهم شد، نقشه‌های دقیق تری به دست آمد^۲ ولی این نقشه‌ها نیز گویای مراحل تاریخی جغرافیای زیستی یترب مدینه نبودند. اما ایشان برخلاف مناطق دیگر از مدینه نقشه‌های متعددی که بیانگر جغرافیای تاریخی مدینه در دوره‌های گوناگون باشد ارایه نکرده است علاوه بر اینکه نقشه وی از مدینه صدر اسلام از کاستی‌هایی نیز برخوردار است و گویای ساختار دو گانه آن نیست.

شاخصه‌های جغرافیای طبیعی

زیستگاه یترب به لحاظ جغرافیایی ویژگی‌هایی داشته که همواره بر وضعیت سکونتگاه‌ها و در نتیجه امور سیاسی و نظامی آن تأثیر مستقیم گذاشته است. یکی از این ویژگی‌ها شیب زمین است. این زیستگاه شیبی ملایم از سمت جنوب به شمال دارد به صورتی که هر چه به شمال نزدیک‌تر می‌شویم از ارتفاع سطح زمین کاسته می‌شود. البته این شیب از جنوب به شمال یکنواخت کاهش نمی‌یابد؛ بلکه در غرب ضلع شمالی، افت زمین بیشتر شده است. از سوی دیگر ارتفاع زمین در ضلع جنوبی نیز یکنواخت نیست و ارتفاع سطح زمین در شرق آن بیشتر است. برآیند سخن این که در جنوب شرقی بیش‌ترین و در شمال غربی کم‌ترین ارتفاع مشهود است در نتیجه شیب زمین در تمامی این زیستگاه به گونه‌ای است که در صورت بارندگی و شکل‌گیری جریان‌های آبی، همه آب‌ها به سمت شمال غرب زیستگاه حرکت کرده و در نزدیکی کوه احد، به هم می‌رسند.

ویژگی دیگری که در زیستگاه یترب باید بدان اشاره کرد وجود سنگ‌های بازالتی در مناطقی از این زیستگاه است که بخش‌های قابل توجهی از این زیستگاه را غیر قابل سکونت

یترب»، المجمع العلمي العراقي، ش ۱۲۸، صص ۱۴۹-۱۷۰؛

Angelika Neuwirth (2001), "Geography", *Encyclopedia of the Quran*, Vol 2, Leiden: The Netherlands, pp.298-299.

۱ احمدابراهیم الشریف (۱۹۶۵)، مکه و المدينة فی الجاهلیة و عصر الرسول، قاهره: دار الفكر العربی؛ صالح احمد العلی (۱۹۶۶)، «خطط المدينة المنورة»، مجلة العرب، صص ۱۰۵۷.

۲ محمد شوقی مکی (۱۹۸۵)، اطلس المدينة المنورة، ریاض: جامعة الملك سعود؛ حسین مونس (۱۹۸۷)، اطلس تاریخ الاسلام، قاهره: الزهراء للاعلام العربی.

می‌کند. در دوره‌های زمین‌شناختی لایه‌های ماگمایی سطح زمین را فراگرفته است.^۱ البته این نوع از سنگ‌ها محدود به زیستگاه یثرب نیست بلکه مساحت‌های بسیار بزرگی در غرب شبه جزیره شاهد چنین پدیده‌ای است و مشاهده آن از درون هواپیما ممکن است. بخش‌هایی در شرق و غرب زیستگاه یثرب پوشیده از این سنگ‌ها و به صورت دو هلال کشیده از جنوب به شمال در وضعیتی که هر دو، بیضی ناقصی را می‌سازند، منطقه مرکزی زیستگاه یثرب را محافظت می‌کنند.^۲

وادی‌های این منطقه ویژگی‌های سوّم این زیستگاه به شمار می‌آیند. جریان‌های آبی شکل گرفته از باران‌های ناچیز مناطق بیابانی، در سال‌هایی که بارندگی روالی طبیعی داشته باشد روزهای انگشت شماری به جریان خود ادامه می‌دهند و سپس خشک می‌شوند. در سال‌های پر باران سیلاب در این مسیرها که غرب آن‌ها را وادی می‌شناسد به راه می‌افتد. چندین وادی از وادی‌های این زیستگاه از میانه آن جریان خود را از سمت جنوب به شمال ادامه می‌دهند و در میانه راه جریان واحدی به نام وادی بطحان را شکل می‌دهند. وادی عقیق و وادی قنات وادی‌های مهم دیگر این زیستگاه هستند که به مناطق مرکزی زیستگاه ربطی ندارند. عقیق به موازات ضلع غربی زیستگاه از سمت جنوب به شمال حرکت می‌کند و قنات نیز در ضلع شمالی از کنار کوه احد گذشته و در غرب این ضلع به وادی‌های دیگر. چنین جریان‌هایی موجب پیدایش زیستگاه‌های متعدد و پراکنده‌ای در پیرامون خود می‌شوند.^۳

یثرب کهن

اندک بودن گزارش‌ها و اسطوره‌ای بودن، مانعی در راه شناخت تاریخ سکونت بشر در زیستگاه یثرب است. ابن زبّاله (م ۱۹۹ق)، نخستین نویسنده تاریخ محلی مدینه پس از گزارش خود از حضور سپاهیان حضرت موسی در یثرب برای سرکوب عمالقه می‌افزاید که: این افراد در مناطقی به نام‌های یثرب، قُفّ و جُرف زندگی می‌کردند.^۴ ابن رسته (م ۲۹۰ق) از اقوامی

۱ بومیان به این سنگ‌ها به دلیل تیره رنگ بودن آن‌ها حرّه (سوخته) می‌گویند. در فارسی عامیانه به این سنگ‌ها، سنگ پا می‌گویند.

۲ برای جزئیات بیش‌تر درباره حره‌های مدینه نک: عبدالعزیز کعکی (۲۰۰۷)، معالم المدینة المنورة بین العمارة و التاريخ، بیروت: دار و مكتبة الهلال، ص ۴۵۶ به بعد.

۳ برای جزئیات بیش‌تر درباره وادی‌های مدینه نک: محمود دوعان (۱۴۲۰)، الاودية الداخلة الى منطقة الحرم بالمدینة المنورة، ریاض، جامعة الملك سعود، الجمعية الجغرافية السعودية.

۴ سمهودی (۲۰۰۱)، وفاء الوفاء، تحقیق قاسم سامرائی، ج ۱، لندن: مؤسسة الفرقان للتراث الاسلامی، صص ۲۹۸-۳۰۰.

چون صُعل و فالج به عنوان نخستین ساکنان یثرب یاد می‌کند که توسط حضرت داوود سرکوب شده و شکست خوردند و در اثر بیماری از بین رفتند که قبرستان آن‌ها در منطقه جُرف قرار دارد. از نظر ابن‌رسته در آن دوره این زیستگاه به قنات، جرف، بوا و زباله محدود می‌شد.^۱ مناطق شناخته شده این گزارش‌ها در مناطق پست شمال غربی زیستگاه یثرب واقع‌اند. به نظر می‌رسد مناطق نزدیک به کوه احد که نسبت به دیگر مناطق زیستگاه یثرب ارتفاع کم‌تری داشتند، یثرب نام داشته است. در قرآن نیز اشاره شده که برخی از مسلمانان در نبرد احد، همدیگر را اهل یثرب خواندند.^۲ مفسران این آیه را درباره طایفه بنی‌حارثه می‌دانند^۳ و توصیف‌های سمهودی از جغرافیای مسکونی صدر اسلام نشان می‌دهد که بنی‌حارثه در همین منطقه می‌زیستند.^۴ (نقشه ۱)

از پیش از اسلام تا صدر اسلام

در آستانه ظهور اسلام زیستگاه یثرب بیش‌ترین تجمع سکونت را در تاریخ خود شاهد بود. این وضعیت به عواملی چون مهاجرت قبایل یهودی و یمنی تبار به این زیستگاه و افزایش جمعیت آن‌ها طی سالیان طولانی بازمی‌گشت. بنا به روایت ابن‌زباله (۱۹۹ق) بنی‌قریظه و بنی‌نضیر نخست در مجاورت قبایل دیگر که در جنوب زیستگاه یثرب قرار دارد اقامت یافتند ولی پس از مدتی در پی مناطقی بهتر برآمده از آنجا کوچ کردند.^۵ یکی از مسائل آنجا، بیشه زاری بود که از تجمع آب‌های وادی‌های یثرب پدید آمده بود و مهاجران به این زیستگاه را با بیماری معروفی به نام تب یثرب مواجه می‌ساخت^۶ و گفته‌اند به همین رو این منطقه را یثرب نامیده‌اند.^۷ در نهایت یهودیان مورد نظر در جنوب شرقی زیستگاه یثرب و در کنار وادی‌های مذنیب و رانونا، یثرب خانه‌های خود را ساخته و کشاورزی خود را آغاز کردند. این محدوده تا جایگاه سابقشان حدود ۱۰ کیلومتر فاصله داشت و مرتفع‌ترین بخش زیستگاه یثرب بود و از این رو

۱ ابن‌رسته (۱۳۶۵)، *الأعلاق النفیسه*، ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۷۰ - ۹۴.

۲ سوره احزاب، آیه ۱۳.

۳ طبری (۱۴۱۵)، *جامع البیان*، به کوشش صدقی جمیل، ج ۲۱، بیروت: دارالفکر، ص ۱۶۳.

۴ سمهودی، همان، ج ۱، ص ۳۴۷.

۵ سمهودی، همان، ج ۱، صص ۲۹۸ - ۳۰۰.

۶ ابن‌هشام [بی‌تا]، *السیره النبویه*، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، ج ۱، بیروت: دار المعرفه، ص ۵۹۰.

۷ ابن‌شبه (۱۴۱۰)، *تاریخ المدینه المنوره*، تحقیق فهیم محمد شلتوت، ج ۱، قم: دارالفکر، ص ۱۶۵؛ ابن‌حنبل، همان، ج ۴، ص ۲۸۵؛ عبدالرزاق صنعانی [بی‌تا]، *المصنف*، تحقیق و تعلیق حبیب الرحمن اعظمی، ج ۹، [بی‌جا]: المجلس العلمی، ص ۲۶۸؛ ابی‌داود طیالسی [بی‌تا]، *مسند طیالسی*، بیروت: دارالمعرفه، ص ۱۰۴؛ یاقوت حموی، همان، ج ۵، ص ۴۳۰.

عالیه (بالا) نام گرفت. از این تاریخ به بعد جغرافیای زیستی یثرب دو قطبی شده و روبه گسترش نهاد، هر چند به درستی نمی‌توان اظهار داشت که ساکنان عالیه خود را بخشی از یثرب می‌دانستند و اطلاق نام یثرب بر آن منطقه درست بود یا خیر. این وضعیت همچنان وجود داشت تا اینکه مهاجرت ازدیان به یثرب، اوس و خزرج را به خود به یثرب آورد.

دقیقاً مشخص نیست که اوس و خزرج چه جمعیتی را با خود به یثرب آوردند. جغرافیای زیستی آنان در یثرب هنگام هجرت نیز نامعلوم است. بنا به روایت اسطوره‌ای وهب بن منبه در کتاب *التیجان*، اوس و خزرج همراه با پدرشان حارثه به این زیستگاه آمدند.^۱ سکونت منابع در این زمینه گویای آن است که آنان نیز در همان مناطقی که به صورت طبیعی مهاجران در آغاز ساکن می‌شدند و به کوه احد نزدیک بود، اقامت کردند. گفته شده که در آنجا فردی یهودی به نام فطیون حکم می‌راند. مدتی بعد خزرجیان توانستند با تکیه بر نیروهای بیرونی بر فطیون غالب آمده و اداره امور یثرب را به دست گیرند^۲ اما این بدان معنا نبود که حاکمیت بر عالیه، نیز از آن خزرج شده است.

گزارش‌های نبردهای اوس و خزرج گویای آن است که عمده نبردها با پیروزی خزرج به پایان رسیده است.^۳ پیروزی خزرجیان بر فطیون هم تأییدی بر برتری خزرج است. سکونت گاه‌های قبایل خزرج در آستانه مهاجرت پیامبر همگی در نیمه شمالی زیستگاه یثرب (یثرب کهن) است. این امر نشان می‌دهد که خزرجیان از آغاز در همان مناطق یا در نزدیکی آن سکنی گزیده بودند.

زیستگاه یثرب در آستانه مهاجرت پیامبر، روستاهای فراوانی را در بر داشت که در سراسر آن و در کرانه وادی‌های یثرب شکل گرفته و در جهت جنوب، جنوب شرق و شرق پراکنده شده‌اند. در هر روستا یکی از شاخه‌های اوس یا خزرج زندگی می‌کردند و تعدادشان به بیش از ۲۰ روستا می‌رسید. این تصویر یعنی روستایی بودن زیستگاه یثرب به وضوح در دو کتاب *اخبار المدینه* ابن زباله و *وفاء الوفاء* سمهودی منعکس شده است ولی احتمالاً چه بسا تعمیم تصویر جغرافیدانان از مدینه سده سوم به بعد، مانع التفات به آن شده است. تعابیری چون «قری الانصار»^۴ یا «دور الانصار»^۵ در منابع کهن حدیثی نیز به این وضعیت اشاره دارند.

۱ ابن منبه [بی تا]، *التیجان فی ملوک حمیر، صنعاء*، مرکز الدراسات الیمنیه، ص ۲۹۳ به بعد.

۲ ابن واضح یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۱، بیروت: دارالصادر، ص ۱۹۷.

۳ ابن اثیر (۱۴۰۷ق)، *الکامل فی التاریخ*، به کوشش عبدالله القاضی، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۶۵۸-۶۸۴.

۴ مالک بن انس، همان، ج ۱، ص ۲۱۶؛ ابن حنبل، همان، ج ۵، ص ۴۴۵.

۵ واقدی، همان، ج ۱، ص ۱۱۵.

گزارش‌های سمهودی از روستاهای یثرب نشان می‌دهد که اکثریت روستاهای شاخه‌های اوسی از «یثرب کهن» فاصله گرفته‌اند.^۱ به لحاظ عددی حدود دو سوم روستاهای طوایف اوسی، در مناطق مرتفع جنوبی و نزدیک به روستاهای بنی‌نضیر و بنی‌قریظه در عالیه بنا شده بودند و بیشترین فاصله را از مناطق قدیمی‌تر یافتند.^۲ بقیه اوسیان در مناطق پست شمالی ماندند ولی به به سمت شرق آن حرکت کردند. گویا نبردهای پیشین آنان را وادار کرده بود از خزرج فاصله گرفته و روستاهایی مستقل برای خود بنا کنند. درگیری‌های درونی اوس و خزرج احتمالاً در پی افزایش جمعیت این دو قبیله صورت گرفته و در مرحله نخست اوسیان را ناچار کرده یثرب کهن را رها کرده و به مناطق دورتر، منتقل شوند. چه بسا در پی افزایش قدرت خزرجیان و احساس نگرانی یهودیان عالیه، آنان به اوسیان اجازه دادند به صورت هم‌پیمان، روستاهای خود را در حاشیه امنیتی روستاهای آنان بنا کنند. پیمان اوسیان عالیه با یهودیان آنجا مؤید قابل قبولی برای این احتمال است. در نتیجه نه تنها در جغرافیای طبیعی بلکه در جغرافیای سیاسی و اجتماعی نیز تقابلی میان عالیه و سافله شکل گرفت؛ تقابل یثرب علیا و یثرب سفلی. بدین گونه بود که روستاهای زیستگاه یثرب به دو گروه «عالیه» و «سافله» دسته‌بندی شدند.

در میان جغرافی‌دانان تنها دو تن به عالیه اشاره کرده‌اند. ابن‌فقیه (م ۲۹۰ ق) در توصیف حومه شهر مدینه، به منطقه‌ای به نام عالیه اشاره کرده و قبا را بخشی از آن شمرده است.^۳ یاقوت حموی (۶۲۶ ق) هم هنگام گزارش از مهاجرت یهودیان به آن محدوده از عالیه نام برده است.^۴ درباره سافله کسی جز یاقوت حموی سخن نگفته است. از نظر وی سافله شامل مدینه و مناطق شمالی آن تا کوه احد می‌شود.^۵

شواهد پراکنده اما فراوانی را می‌توان برای ساختار عالیه-سافله در منابع جستجو کرد. درباره ابو سلمه،^۶ صهیب،^۷ عمر بن خطاب و تعدادی دیگر از مهاجران گفته شده است که پس از

۱ سهمودی، همان، ج ۱، صص ۳۴۰-۳۴۷.

۲ ابن‌سعد، همان، ج ۲، ص ۱۹.

۳ ابوالفرج اصفهانی [بی‌تا]، *الاعانی*، به کوشش علی منا و سمیر جابر، ج ۳، بیروت: دارالفکر، ص ۲۰.

۴ ابن‌فقیه (۱۳۰۲)، *مختصر کتاب البلدان*، لیدن: انتشارات بریل، صص ۲۳-۲۶.

۵ یاقوت حموی، همان، ج ۱، ص ۴۴۶، ج ۵، ص ۲۳۴.

۶ همان، ج ۵، ص ۸۴.

۷ احمد بن حسین بیهقی (۱۹۸۵)، *دلائل النبوة و معرفة صاحب الشريعة*، تحقیق عبدالمعطی قلعجی، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۳۲۰؛ شمس‌الدین محمد ذهبی (۱۹۹۳)، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، ج ۲، بیروت: دارالکتب العربی، ج ۲، ص ۲۳۰.

۸ ابن حجر عسقلانی (۱۹۹۵)، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، ج ۳،

مهاجرت به مدینه در عوالی اقامت کردند.^۱ بنا به گزارش دیگری، ابی‌الدحداح انصاری پس از نزول آیاتی که مؤمنان را به اتفاق فرا می‌خواند، نزد پیامبر رفت و دو باغ خود در عالیه و سافله را با مشورت پیامبر در راه خدا اتفاق کرد.^۲ بر اساس گزارشی از علی بن ابیطالب (ع)، وی یک‌بار برای یافتن کار و تأمین معیشت خود به عوالی رفت و در باغی مشغول به کار شد.^۳ در گزارش نبرد بدر در سال دوم هجری هم نقل شده است که پیامبر دو تن را مأمور ساخت پیش از بازگشت سپاه به مدینه، خبر پیروزی بدر، مرگ عمده سران قریش و اسارت شماری دیگر را به مردم برسانند؛ عبدالله بن رواحه رساندن به اهالی عالیه و زید بن حارثه پسر خوانده پیامبر، رساندن به اهالی سافله (مدینه در روایت واقدی) را به عهده داشت.^۴ در گزارش‌های همین نبرد آمده که عاصم بن عدی بر عالیه و ابولبابه بر مدینه (سافله) گمارده شده بودند و از غنایم بدر سهم بردند.^۵ در اعزام احد هم گفته شده که اهالی عالیه به مسجد (نبوی) آمده بودند و همگی نماز عصر را آنجا خواندند و از آنجا اعزام شدند.^۶ همچنین برخی رزمندگان در نبرد خندق می‌خواستند به خانه‌های خود در عالیه بروند و پیامبر نگران خطر بنی‌قریظه در عالیه بود.^۷ آخرین شاهد عصر پیامبر گزارشی از حجة‌الوداع است که در آن بیان شده پیامبر دستور داد دو اذان گو یکی در مدینه و دیگری در عالیه، مردم را از تصمیم پیامبر مطلع سازند تا با او در این سفر همراه شوند.^۸

نام عالیه در گزارش‌های مربوط به دوره پس از پیامبر همچنان مشهود است. زمانی که امام علی بن ابی‌طالب (ع) جنازه پیامبر را غسل داد و کفن کرد، ساکنان «مدینه» و «عالیه»

بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۳۶۶.

۱ ابن‌عبدالبراندلسی (۱۴۱۵)، *الدرر فی اختصار المغازی و السیر*، قاهره: وزارة الاوقاف المصریه، ص ۸۲. عوالی در این روایت نام دیگری از عالیه است.

۲ ابن‌جریرطبری (۱۴۱۵)، *جامع البیان*، به کوشش صدقی جمیل، ج ۲، بیروت: دارالفکر، ص ۸۰۳؛ ابوالقاسم طبرانی (۱۴۱۵)، *المعجم الاوسط*، تحقیق ابراهیم الحسینی، ج ۲، قاهره: دارالحرمین، ص ۲۴۳؛ هیشمی (۱۹۹۸)، *مجمع الزوائد*، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۱۱۳.

۳ ابن‌حنبل، *مسند احمد*، ج ۱، بیروت: دارالصادر، ص ۱۳۵.

۴ واقدی، همان، ج ۱، ص ۱۱۵؛ ابن‌هشام، همان، ج ۱، ص ۶۴۲ و ج ۲، ص ۵۱؛ ابن‌جریرطبری (۱۹۶۷)، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲، بیروت: دار التراث، ط الثانية، ص ۱۵۷.

۵ ابن‌سعد، همان، ج ۳، ص ۴۶۶؛ ابن‌عبدالبراندلسی (۱۹۹۲)، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، ج ۲، بیروت: دارالجلیل، ص ۷۸۲؛ بلاذری (۱۹۵۹)، *انساب الاشراف*، تحقیق محمد حمید الله، ج ۱، مصر: دار المعارف، ص ۲۸۹؛ طبری، همان، ج ۲، ص ۴۷۸.

۶ همان، ج ۱، ص ۲۱۳؛ ابن‌سعد، همان، ج ۲، ص ۲۹.

۷ واقدی، همان، ج ۲، ص ۴۴۷.

۸ کلینی (۱۳۶۳ش)، *الکافی*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ص ۲۴۵.

حاضر شدند و بر او نماز خواندند.^۱ در مراسم تشییع جنازه عباس عموی پیامبر در سال ۲۴ق دو مؤذن یکی از جانب بنی هاشم و یکی از جانب خلیفه برای فراخوانی مردم به تشییع جنازه عباس، به «عوالی» و سپس «سافله» رفتند تا در مناطق گوناگون آن مردم را برای این مراسم دعوت کنند.^۲ به هنگام شهادت امام حسن (ع) در حدود سال ۵۰ق نیز بنی هاشم، پیکی را جهت اعلان مراسم تشییع جنازه به عالیه فرستادند تا مردم را از این حادثه با خبر کند و همگی اهالی عالیه در این مراسم شرکت کردند.^۳ همچنین بسیاری از اهالی «عالیه» در تشییع جنازه عایشه در سال ۵۳ شرکت کردند.^۴ شواهد دیگری نیز در منابع فقهی و روایی همین ساختار را تأیید می کنند. کلیه داده های فوق گویای ساختار دوگانه و مدل «بالا-پایین» در جغرافیای زیستی یثرب هستند. از این رو هنگام سخن گفتن از تأسیس مسجد پیامبر در مرکز مدینه باید پرسید که منظور کدام مدینه است. اگر منظور یثرب پایین است، تا حدی این سخن قابل پذیرش خواهد بود و چنانچه مقصود سراسر سکونت گاه یثرب است، شواهد کافی برای این نگرش وجود ندارد.

شهری به نام مدینه^۵

انتقال پایتخت از مدینه به کوفه در دوره امام علی بن ابی طالب (حک: ۳۵-۴۰)، انتقال به دمشق در دوره حکومت بنی امیه (۴۰-۱۳۲ق)، انتخاب مجدد عراق (کوفه و عمدتاً بغداد) به عنوان پایتخت در دوره عباسی (۱۳۲-۶۵۶ق) موجب شد مدینه رونق پیشین را از دست دهد و به عنوان مرکزی اداری، تابع کوفه، دمشق یا بغداد باشد.

به لحاظ اقتصادی نیز مدینه از مزیت قابل ملاحظه ای برخوردار نبود زیرا پس از فتوحات در سده نخست و اوایل سده دوم هجری، مناطق بهتری برای کشاورزی در اختیار فاتحان قرار

۱ ابن شهر آشوب (۱۹۵۶)، مناقب آل ابی طالب، تصحیح و شرح و مقابله لجنة من اساتذة النجف الاشرف، ج ۱، نجف: المكتبة الحیدریة، ص ۲۳۹.

۲ نویسنده ناشناخته، اخبار الدولة العباسیة، تحقیق الدكتور عبدالعزیز الدوری و الدكتور عبدالجبار المطلبی، بیروت: دار الطلیعة للنشر، صص ۲۱-۲۲؛ ابن عساکر (۱۴۱۵)، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ج ۲۶، ص ۳۷۷؛ شمس الدین محمد ذهبی (۱۹۹۳)، سیر اعلام النبلاء، تحقیق حسین الاسد، اخراج و اشرف شعیب الارناؤوط، ج، بیروت: مؤسسة الرسالة، ص ۴۴۶.

۳ ابن سعد، همان، ج ۱۰، ص ۳۵۰.

۴ بلاذری، همان، ج ۱، ص ۴۲۱.

۵ بر خلاف مشهور، پیامبر یثرب را طیبه نامید و بعدها بنی امیه آن را خبیثه خواندند.

گرفت. انصار در دوره بنی‌امیه با توجه به خصومت بنی‌امیه با آنان روند مهاجرت خود را از آنجا آغاز کردند تا در مناطق بهتری بتوانند به حیات خود ادامه دهند. طبیعی است که در میان روستاهای زیستگاه یثرب، روستاهایی که از ذخیره آبی و خاک حاصلخیز کم‌تری برخوردار بودند، زودتر از سکنه تهی شدند. این امر وقتی واضح می‌شود که بدانیم مساجد روستاهای دیگری که پیامبر در آن‌ها نماز خوانده بودند، امروزه معلوم نیست که دقیقاً در کجا قرار دارند. این بدان معنا است که با متروکه شدن هر روستا، اطلاعات آن نیز به فراموشی سپرده شد. مهاجرت انصار به مناطقی چون ینبع، بصره، بغداد، منفلوط مصر، گرگان و اندلس حکایت از یافتن سکونت‌گاه‌های بهتر آنان دارد.^۱

آنچه که باقی ماند روستاهایی بود در عالیه (از جمله قبا) که از امکانات مناسب برخوردار بودند و نخلستان‌هایشان ارزش اقتصادی قابل توجهی داشت. روستایی در سافله که پیامبر در آن اقامت داشت، هرچند اهمیت زراعی نداشت ولی از اهمیت دینی و اداری بالایی برخوردار بود و هر ساله حاجیان برای دیدن سرزمینی که پیامبر در آن زیسته بود و همچنین مسجد نبوی، به آنجا می‌رفتند و به عنوان ایستگاهی در مسیر مکه، مدتی را در آنجا سپری می‌کردند.

در سده سوم اتفاق دیگری افتاد. هنگامی که قبایل بیابانی با قحطی و خشکسالی مواجه شدند، پس از حمله به مدینه به غارت حرم نبوی و ساکنان مدینه پرداختند. برای نخستین بار در سال ۲۶۳ق بارویی گرداگرد مسجد نبوی و بناهای اطراف آن کشیده شد ولی به مرور خراب شد. ضرورت وجود دیوار امنیتی، عبدالدوله بویه را واداشت تا دیوار دیگری را در سال ۳۶۰ق اطراف مدینه بکشد. پس از آن حجاز در قلمرو حاکمان مصر (فاطمیان، ایوبیان و ممالیک) قرار گرفت. جمال‌الدین اصفهانی وزیر اتابکان زنگی موصل در سال ۵۴۰، نورالدین زنگی در ۵۵۸، امیرزاده صالح بن ناصر مملوکی در ۷۵۵ و قایتبای حاکم مملوکی مصر (حک: ۸۷۲-۹۰۱) در ۸۸۰ق به مرمت، بازسازی یا توسعه این دیوار اقدام کردند. توصیف‌های جغرافی‌دانان مسلمان و سیاحان پس از سده سوم آغاز شده و از این رو کم‌تر ناظر به زیستگاه روستایی یثرب در صدر اسلام است. تمرکز سکونتگاه‌ها و پیدایش شهر مدینه در اطراف مسجد نبوی در گزارش‌های یعقوبی (م ۲۷۸ق)،^۲ ناصر خسرو (م ۴۳۸ق)،^۳ ادریسی اندلسی (م ۵۴۸ق)^۱ منعکس شده و در برخی موارد

۱ درباره مهاجرت انصار نک: مهران اسماعیلی (۱۳۸۵)، «انصار»، دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۴، قم: بوستان کتاب، ص ۵۳۴.

۲ یعقوبی (۱۹۵۷)، البلدان، نجف: چاپخانه حیدریه، ج ۳، صص ۷۱-۷۳.

۳ ناصر خسرو (۱۳۵۴)، سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، صص ۱۰۲-۱۰۳.

به حصار مدینه هم اشاره شده است. گزارش برخی سیاحان غربی در ۹۰۸/۱۵۰۲م نشان می‌دهد که این وضعیت تا سده‌های متأخر ادامه داشته و گنجایش شهر از ۳۰۰ خانه در اطراف مسجد پیامبر تجاوز نمی‌کرده است.^۲ دربارهٔ توابع مدینه، ابن خرداد به (م ۲۵۰ق) به مسجد شجره در ۶ میلی مدینه اشاره کرده است.^۳ وادی عقیق در گزارش قدامة بن جعفر (م ۲۶۶ق)،^۴ عالیه و قبا در گزارش ابن فقیه (م ۲۹۰ق)،^۵ بقیع العرق، قبا و أحد در گزارش ابن حوقل (م ۳۶۷ق)،^۶ بقیع، قبا، أحد و عقیق در گزارش مقدسی (م ۳۷۵ق)،^۷ قبا در گزارش قزوینی (م ۷۴۶ق)،^۸ بقیع، قبا، أحد و مسجد ذوالحلیفه (شجره) در گزارش ابن بطوطه (م ۷۵۰ق)^۹ بیرون مدینه هستند.

تمامی اطلاعات موجود نشان می‌دهد که تصور گزارشگران از مدینه بر اساس مدل «مرکز - حومه» شکل گرفته که احتمالاً برخاسته از تشکیلات اداری یا مشاهدات فردی است. در این مدل، مناطقی چون بقیع، قبا، عالیه، مسجد ذوالحلیفه و أحد به عنوان نقاط پیرامونی تعریف شدند و مناطق دیگری که به مرور زمان از بین رفته بودند، مغفول ماندند در حالی که تمامی این مناطق در صدر اسلام جزو زیستگاه یثرب بودند. یکی از پیامدهای این تلقی آن بود که غزواتی چون بنی‌نضیر، بنی‌قریظه، بنی‌قینقاع و أحد، اعزام‌هایی به حومه مدینه تلقی گردید.

مدینه منوره

نام «مدینه منوره» در منابع متقدم اعم از منابع جغرافیانگاران و متأخر به کار نرفته است. به نظر، کاربرد این نام به دورهٔ معاصر بازمی‌گردد. نخستین تحولات این شهر در دورهٔ معاصر با راه‌آهن شام به حجاز در ۱۹۰۶م آغاز شد، تا بار دیگر مدینه را در مسیر راه‌های ارتباطی

- ۱ ادریسی (۲۰۰۰م)، *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*، تحقیق ابراهیم خوری، العین (امارت): مرکز زاید للتراث و التاريخ، ص ۲۰۶.
- ۲ محمد محمود السریانی، «السکن الحضری»، الرویثی و خوجلی، همان، صص ۱۶۷-۱۸۱؛ محمد بن خضر الرومی الحنفی [بی‌تا]، «التحفة اللطیفه فی عمارة مسجد النبی و سور المدينة الشریفه»، *رسائل فی تاریخ المدینه*، به کوشش حمد الجاسر، ریاض، دار الیمامه.
- ۳ ابن خرداد به (۱۸۸۹م)، *المسالك و الممالک*، به کوشش جوخه، افست در بغداد، لیدن: بریل، صص ۱۲۸ - ۱۳۱.
- ۴ قدامة بن جعفر (۱۹۸۱)، *الخراج و صناعة الکتابه*، شرح و تعلیق محمد زبیدی، عراق: دار الرشید، صص ۱۸۰ و ۲۱۷ و ۲۵۷.
- ۵ ابن فقیه (۱۳۰۲)، *مختصر کتاب البلدان*، لیدن: بریل، صص ۲۳ - ۲۶.
- ۶ ابن حوقل (۱۹۳۸)، *صورة الارض*، لیدن: بریل، صص ۳۰ - ۳۱.
- ۷ مقدسی [بی‌تا]، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، لیدن: بریل، ج ۲، صص ۸۰ - ۸۵.
- ۸ قزوینی (۱۳۷۱)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمهٔ محمد مراد بن عبدالرحمان، تصحیح سید محمد شاه‌مرادی، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، ص ۱۳۱.
- ۹ ابن بطوطه (۱۹۹۷)، *رحلة ابن بطوطه*، تحقیق عبدالهادی التازی، ج ۱، رباط: اکادیمیه المملکه المغربیه، صص ۳۴۹ - ۳۶۶.

قرار دهد. در پی این رخداد جمعیت ۱۳ هزار نفری مدینه، طی یک دهه به ۸۰ هزار نفر افزایش یافت. ولی در درگیری‌های سال ۱۹۱۵م اغلب بخش‌های این راه‌آهن از بین رفت. جمعیت مدینه هنگام جنگ جهانی اول از چند ده هزار نفر به حدود ۱۲۰۰۰ نفر کاهش یافت. اکتشاف نفت در ۱۹۳۱م دوره‌ای جدید را به این سرزمین نوید داد.^۱

نخستین مرحله توسعه شهری مدینه از ۱۳۷۰ق/۱۹۵۰م آغاز شد. دیوارهای مدینه در مرحله نخست تخریب گردید و تعدادی خیابان جنوبی شمالی، شرقی - غربی در شهر ساخته شد. شرقی‌ترین خیابان، خیابان ابوذر بود که از کنار بقیع می‌گذشت. این خیابان از مسجد ابوذر در شمال آغاز می‌شد و با پایان بقیع در جنوب شهر به پایان می‌رسید.^۲

غربی‌ترین خیابان مدینه خیابان مناخه بود که به مناسبت بازار مناخه به این نام درآمده بود. خیابان مناخه در شمال از کنار دروازه شام آغاز می‌شد و تا مسجد سقیا و دروازه قبا در جنوب به پایان می‌رسید. خیابان ابوذر و مناخه حدود شرقی و غربی مناطق مسکونی مدینه نیز بودند. جنوبی‌ترین خیابان که حد جنوبی منطقه مسکونی مدینه در آن دوره بود خیابان درب الجنائز بود که خیابان ابوذر (ضلع شرقی مدینه) و خیابان مناخه (ضلع غربی مدینه) را به یکدیگر متصل می‌کرد. ضلع شمالی این شهر، خیابان فرودگاه بود که پس از اتصال خیابان ابوذر و مناخه در شمال مدینه به سمت شمال شرق (فرودگاه) ادامه مسیر می‌داد. خیابان‌های شرقی - غربی دیگری چون مجیدی، سقیفه، عینیه و بقیع هم بودند که در مسیر خود به حرم منتهی می‌شدند و خیابان ابوذر و مناخه را به هم متصل نمی‌کردند زیرا حرم نبوی در مسیر آن‌ها قرار داشت و حرم نقطه پایانی آن‌ها بود.

چند مسیر از مدینه خارج می‌شد که می‌توان آن‌ها را به مسیرهای جنوبی و شمالی تقسیم کرد. جاده‌هایی که به سمت شمال از مدینه خارج می‌شدند، خیابان فرودگاه بود که به شمال شرق می‌رفت و خیابان سیدنا حمزه که به مقبره الشهداء و کوه احد منتهی می‌شد. خیابان سوم، مسیر چاه رومه و مسجد قبلتین بود. در جنوب نیز سه خیابان از شهر بیرون می‌رفت. در شرق خیابان عوالی به سمت جنوب شرقی می‌رفت تا به مسجد فضیخ و روستای عوالی برسد. در غرب دو مسیر از دروازه قبا خارج می‌شد یکی در جهت جنوب که به قبا و مسجد قبا

۱ عمر الفاروق السیدرجب (۲۰۰۹)، المدن الحجازیه، صص ۷-۳۰؛ عبدالرزاق عیسی، دراسات و رسائل فی تاریخ المدینة المنورة، قاهره: دار القاهرة، ص ۱۷۲.

۲ حاتم عمرطه (۱۹۹۸)، طیبه و فتنها الرفیع، المدینة المنورة، ج ۲، المدینة المنورة، مكتبة الحلی، ص ۷۶؛ صالح لمعی مصطفی (۱۹۸۱)، المدینة المنورة تطورها العمرانی و تراثها المعماری، بیروت: دار النهضة العربیه.

می‌رسید و دومی در جهت جنوب غرب که به ایستگاه راه آهن، مسجد شجره، پست برق و بیمارستان می‌رسید.

در مرحله بعد قسمت‌هایی که در روزگاری مسجد، منازل و دیوارهای شهر در آن قرار داشت و نیز محوطه‌های پیرامونی آن از ساکنان محلی خریداری و خیابان‌ها برچیده شد تا وضعیت کنونی خود را پیدا کند و تنها حرم جدید، مساجد کهن، بقیع و هتل‌ها را در برگیرد. بزرگراهی به نام «الدائری الاول» بسان حلقه‌ای این قسمت از شهر جدید را دربرگرفت.^۱

رونق اقتصادی مدینه و سیاست یکجانشین کردن بیابان نشینان موجب افزایش جمعیت مدینه تا یک میلیون و سیصد هزار نفر گردید.^۲ از این رو بزرگراه‌های دیگری به نام‌های «الدائری الثانی» و «الدائری الثالث» نیز ساخته شد تا دسترسی به مناطق این شهر بزرگ را برای ساکنان مناطق ۱۳ گانه آن سریع‌تر و آسان‌تر سازد.^۳ این توسعه مرزهای سابق سکونتگاه یشرب را درنوریده و همچنان پیش می‌رود.

نتیجه‌گیری

زیستگاه یشرب از نظر جغرافیای زیستی بارها تغییر کرده است. شمالی‌ترین مناطق آن که در نزدیکی کوه احد قرار دارد، نخستین سکونتگاه‌های شناخته‌شده تاریخی است. افزایش جمعیت مهاجرانی چون اوس، خزرج و یهودیان منجر به پیدایش روستاهای فراوانی شد که در منطقه‌ای از حدود کوه احد در شمال تا کوه عَیر در جنوب زیستگاه یشرب پراکنده بودند. سکونت این قبایل در دوره دوم را با مدل بالا-پایین می‌توان توضیح داد.

یکی از روستاهای طایفه بنی‌نجار از قبیله خزرج با هجرت پیامبر، اهمیت بیشتری یافت. این روستا سکونتگاه پیامبر بود و مسجد نبوی هم در کنار آن ساخته شد. علاوه بر این اداره امور حکومتی نیز در همین روستا صورت می‌گرفت. با انتقال پایتخت از مدینه، این روستا مرکزیت سیاسی خود را از دست داد ولی برای حاجیان مشتاق، حکایت‌گر روزگار پیامبر(ص) بود و عطش خود را با زیارت قبر آن حضرت سیراب می‌کردند. بقیه روستاهای مدینه دو سرنوشت داشتند. روستاهایی مثل قبا که از کشاورزی خوبی برخوردار بودند و علاوه بر این، روایاتی در

۱ ناصر بن علی الحارثی (۲۰۰۷)، *التطور العمرانی لمن الحج والمشارع المقدسه فی عهد الملک عبدالعزیز*، ریاض: مكتبة الملك عبدالعزيز العامة، صص ۷۰-۱۰۶؛ احمد سعید بن سلم (۱۹۹۳)، *المدینه المنوره فی القرن الرابع عشر الهجری*، مدینه: شخصی (نویسنده).

۲ علی حافظ (۱۹۹۶)، *فصول من تاریخ المدینه المنوره*، جدّه: شركة المدينة المنورة للطباعة والنشر، ج ۳، ص ۳۱۳ به بعد.

۳ نک: نقشه شماره ۴ و نیز صفحه استاندارد مدینه: www.amana-md.gov.sa

تشویق زیارت مسجد قبا وجود داشت، به حیات خود ادامه دادند. روستاهای دیگر به دلیل توان اندک اقتصادی و نیز دشمنی‌های بنی‌امیه با انصار، خالی از سکنه شدند و از بین رفتند. در سده سوم هجری نخستین حصار پیرامون مدینه کشیده شد تا آن را در سال‌های قحطی از خطر حمله قبایل بیابانگرد مصون دارد. مدینه در تقسیمات دیوانی - اداری مرکز این منطقه بود و سکونتگاه‌های دیگری چون قبا و روستاهایی که پیش از این یهودیان بنی‌نضیر و بنی قریظه در آن ساکن بودند، در حومه آن قرار گرفتند. مدل کانون - پیرامون یا مرکز - حومه برای توصیف مدینه در این روزگار (دوره سوم) مناسب داشت. آنچه جغرافیانگاران از مدینه گزارش کرده‌اند در حقیقت مدینه در دوره سوم است. این وضعیت سده‌ها ادامه یافت تا اینکه رونق اقتصادی در شهرهای بزرگ، افزایش آمار حاجیان در هر سال و سیاست یکجانشین کردن قبایل، منجر به مهاجرت‌های گسترده به مراکز استان‌ها از جمله مدینه شد و ساخت و سازهای وسیع، سراسر منطقه‌ای که در عصر پیامبر روستاهای اوس، خزرج و یهودیان را در خود جای داده بود، دربرگرفت تا چهارمین تغییر بنیادین روی داده باشد.

ضمیمه

نقشه جغرافیای زیستی مدینه به ترتیب تاریخ. ردیف اول از چپ به راست: یثرب کهن، یثرب پیش از اسلام و صدر اسلام. ردیف دوم از چپ به راست: شهر مدینه، مدینه امروزی.



منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابراهیم الشریف، احمد (۱۹۶۵)، *مكة و المدينة فی الجاهلیة و عصر الرسول*، قاهره: دار الفكر العربی.
- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۴۰۷ق)، *الکامل فی التاریخ*، به کوشش عبدالله القاضي، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن بطوطه (۱۹۹۷)، *رحلة ابن بطوطه*، تحقیق عبدالهادی التازی، رباط: اکادیمیة المملکة المغربیه.
- ابن حنبل [بی تا]، *مسند احمد*، بیروت: دار الصادر.
- ابن حوقل (۱۹۳۸)، *صورة الارض*، لیدن: بریل.
- ابن خرداد به (۱۸۸۹م)، *المسالك و الممالك*، به کوشش جوخه، افسست در بغداد.
- ابن رسته (۱۳۶۵)، *الاعلاق النفیسه*، ترجمه و تعلیق حسین قره چانلو، تهران: انتشارات توس، چ ۱.
- ابن سعد (۱۹۹۰)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن شبة (۱۳۶۸)، *تاریخ المدینة المنورة*، تحقیق فهیم محمد شلتوت، قم: دارالفکر.
- ابن شهر آشوب (۱۹۵۶)، *مناقب الابی طالب*، تصحیح و شرح و مقابله لجنه من اساتذة النجف الاشرف، نجف: المکتبة الحیدریة.
- ابن عبدالبر اندلسی (۱۹۹۲م)، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل.
- ابن عبدالبر اندلسی (۱۴۱۵)، *الدرر فی اختصار المغازی و السیر*، قاهره: وزارة الاوقاف المصریه.
- ابن عساکر (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۵.
- ابن فقیه (۱۳۰۲)، *مختصر کتاب البلدان*، لیدن: بریل.
- ابن منبه، وهب [بی تا]، *التیجان فی ملوک حمیر، صنعاء: مرکز الدراسات الیمنیه.*
- ابن هشام [بی تا]، *السيرة النبوية*، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت: دار المعرفة.
- ابی داود طیالسی [بی تا]، *مسند طیالسی*، بیروت: دار المعرفة.
- احمد العلی، صالح (۱۹۶۶)، «خطط المدینة المنورة»، *مجلة العرب*.
- ادیسی (۲۰۰۰م)، *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*، تحقیق ابراهیم خوری، العین (امارت): مرکز زاید للتراث و التاریخ.
- اسماعیلی، مهران (۱۳۸۵)، «انصار»، *دائرة المعارف قرآن کریم*، ج ۴، قم: بوستان کتاب.
- اصفهانی، ابو الفرج [بی تا]، *الاعانی*، به کوشش علی منا و سمیر جابر، بیروت: دارالفکر.
- بختیاری، شهلا (۱۳۹۲)، «مرکزیت مدینه»، *حیات، حکمت و حکومت پیلمبر اعظم*، جمعی از پژوهشگران به کوشش حمید رضا مطهری، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بلاذری (۱۹۵۹)، *انساب الاشراف*، تحقیق محمد حمید الله، مصر: دار المعارف.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۹۸۵)، *دلائل النبوة و معرفة صاحب الشریعة*، تحقیق عبدالمعطی قلعجی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- جعفریان، رسول (۱۳۸۵)، «حکمت انتخاب محل مسجد النبی در مدینه»، مجموعه مقالات همایش بین المللی سیره شناختی پیامبر اعظم، ج ۱، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- حارثی، ناصر بن علی (۲۰۰۷)، التطور العمرانی لمن الحج و المشاعر المقدسه فی عهد الملك عبدالعزيز، ریاض: مكتبة الملك عبدالعزيز العامة.
- حافظ، علی (۱۹۹۶)، فصول من تاریخ المدینه المنوره، جده: شرکه المدینه المنوره للطباعة و النشر، چ ۳.
- دوغان، محمود (۱۴۲۰)، الاودية الداخلة الى منطقة الحرم بالمدينة المنوره، ریاض: جامعة الملك سعود، الجمعية الجغرافية السعودية.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد (۱۹۹۳)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی، چ ۲.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد (۱۹۹۳)، سیر اعلام النبلاء، تحقیق حسین الاسد، اخراج و اشراف شعيب الارناؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- رومی حنفی، محمد بن خضر [بی تا]، «کتاب التحفة اللطيفة فی عمارة مسجد النبی و سور المدينة الشریفه»، الجاسر، حمد (ویراستار)، رسائل فی تاریخ المدینه، ریاض: دار الیمامه.
- سریانی، محمد محمود (۱۹۹۸)، «السکن الحضری»، رویشی، محمد احمد و خوجلی، مصطفی محمد، المدینة المنورة: البيئة و الانسان، المدینة المنورة: نادى المدینة المنورة.
- سعید بن سلم، احمد (۱۹۹۳)، المدینة المنوره فی السده الرابع عشر الهجرى، [بی جا]: نویسنده (شخصی).
- سمهودی، نورالدین علی (۲۰۰۱)، وفاء الوفاء، تحقیق قاسم سامرائی، لندن: مؤسسة الفرقان للتراث الاسلامی.
- طبرانی، ابوالقاسم (۱۴۱۵)، المعجم الاوسط، تحقیق ابراهیم الحسینی، قاهره: دار الحرمین.
- طبری، ابن جریر (۱۹۶۷)، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ط الثانية.
- ---- (۱۴۱۵)، جامع البیان، به کوشش صدقی جمیل، بیروت: دار الفکر.
- عمر طه، حاتم (۱۹۹۸)، طيبه و فنّها الرفيع، المدینة المنورة، المدینة المنورة: مكتبة الحلبي، چ ۲.
- کعکی، عبدالعزيز (۲۰۰۷)، معالم المدینة المنوره بین العمارة و التاريخ، بیروت: دار و مكتبة الهلال.
- عسقلانی، ابن حجر (۱۹۹۵)، الاصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- قدامة بن جعفر (۱۹۸۱)، الخراج و صناعة الکتابه، شرح و تعليق محمد زبيدي، عراق: دار الرشيد.
- قره‌چانلو، حسین (۱۳۸۳)، «شهر پیامبر»، گستره تاریخ؛ گفت و گوهایی با تاریخ‌نگاران ایران، تهران: انتشارات هرمس.
- قزوینی (۱۳۷۱)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه محمد مراد بن عبدالرحمان، تصحیح سید محمد شاه‌مرادی، تهران: دانشگاه تهران.
- کلینی (۱۳۶۳ ش)، الکافی، تصحیح و تعليق علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مالک بن انس (۱۹۸۵)، الموطأ، تصحیح و تعليق محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- لمعى مصطفى، صالح (١٩٨١)، المدينة المنورة تطورها العمراني و تراثها المعماري، بيروت: دار النهضة العربية.
- مقدسى [بى تا]، احسن التقاسيم فى معرفة الاقاليم، ليدن: بريل، چ ٢.
- مكى، محمد شوقى (١٩٨٥)، اطلس المدينة المنورة، رياض: جامعة الملك سعود.
- منتظرى مقدم، حامد (پاييز ١٣٧٧)، «اسلام در فراسوى مكه»، معرفت، ش ٢٦، صص ٨٧-٩١.
- موسى، جواد مطر (١٤٢٩)، «مقومات دولة الرسول فى يثرب»، المجمع العلمى العراقى، ش ١٢٨، صص ١٤٩-١٧٠.
- مونس، حسين (١٩٨٧)، اطلس تاريخ الاسلام، قاهرة: الزهراء للاعلام العربى.
- ناشناخته، اخبار الدولة العباسية، تحقيق الدكتور عبدالعزيز الدورى و الدكتور عبد الجبار المطلبى، بيروت: دار الطليعة للنشر.
- ناصر خسرو (١٣٥٤)، سفرنامه ناصر خسرو، به كوشش محمد دبير سياقى، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملي.
- واقدى، محمد بن عمر (١٩٨٩)، المغازى، تحقيق مارسدن جونس، چ ٣، بيروت: مؤسسة الاعلمى.
- همدانى (١٩٧٤)، صفة جزيرة العرب، تحقيق محمد بن على الاكوع الحوالى، رياض: دار اليمامة.
- هيثمى (١٩٩٨)، مجمع الزوائد، بيروت: دار الكتب العلميه.
- ياقوت حموى (١٩٩٥)، معجم البلدان، بيروت: دار الصادر.
- يعقوبى، ابن واضح [بى تا]، تاريخ يعقوبى، بيروت: دار الصادر.
- ---- (١٩٥٧)، البلدان، نجف: چاپخانه حيدريه، چ ٣.
- Neuwirth, Angelika (2001), "Geography", *Encyclopedia of the Quran*, Vol 2, Leiden: The Netherland, pp.298-299.